

09 Aralık 2016

JAKUES, R. Kevin. Murder in Damascus: the consequences of competition among medieval Muslim religious elites. *Mamlūk Studies Review*, 18 (2014-2015) pp. 149-185. On the Damascene scholar Najm al-Dīn Ibn Hıjji, murdered in 1427.

Ibn Hıjjar
090447

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

ابن حَبِيش پس از سه سال اقامت در قرطبه به المریه بازگشت. در ۵۴۲ق / ۱۱۴۷م صلیبیان شهر را گشودند. ابن حَبِيش در این سال نزد سُلیطین (آلفونسوی هفتم) رفت و نسب‌نامه‌ای برای وی تنظیم کرد و نسب وی را تا هرقل (هراکلیوس، امپراتور روم شرقی) رساند. در برابر این کار به وی اجازه دادند که همراه خاندان و همراهانش، بدون آنکه وجهی بپردازند، شهر را ترک کنند. ابن حَبِيش به مرسیه رفت و مدتی در آنجا ماند. سپس به جزیره شَقْر، نزدیک بلنسیه، رفت و متولی نماز و خطبه و احکام آنجا شد.

پس از دوازده سال، در حدود ۵۵۶ق / ۱۱۶۱م، به مرسیه بازگشت و خطیب مسجد جامع آنجا شد. در ۵۷۵ق نیز به قضاوت آنجا منسوب شد. سرانجام پس از مدتی بیماری، در ۵۸۴ق / ۱۱۸۸م، در مرسیه درگذشت و امیر مرسیه بر جنازه‌اش نماز گزارد (ابن ابار، همان‌جا؛ مقری، ج ۶، ص ۲۵۴).

گفته‌اند ابن حَبِيش مالکی مذهب بود. هرچند که در منابع گذشته بدین موضوع اشاره نشده است. فقط احمد بابا تنبکتی و محمد مخلوف به مالکی بودن وی اشاره کرده و نیز گفته‌اند که وی حافظه‌ای قوی داشته است (مخلوف، ص ۱۵۷؛ دائرةالمعارف بزرگ، همان‌جا).

مهم‌ترین کتاب ابن حَبِيش کتاب المغازی یا الغزوات است. نام کامل آن ذکر الغزوات الضامنة الكافلة و الفتوح الجامعة الحافلة الكائنة فی ایام الخلفاء الائمة الاولى الثلاثة است. دو جزء این اثر تاکنون شناخته شده و در دست است. این کتاب درباره لشکرکشی‌های سه دهه نخست سده اول هجری، زمان خلافت سه خلیفه اول، است. ابن حَبِيش اثر دیگری داشته که مجموعه کوچکی در القاب بوده است و ابن ابار نسخه‌ای از آن را، که نزد ابوالریبع

ابوالقاسم عبدالرحمان بن محمد بن عبدالله بن یوسف بن ابی عیسی انصاری (۵۰۴-۵۸۴ق / ۱۱۱۱-۱۱۸۸م) مورخ، محدث، فقیه و ادیب اندلسی است.

او در المریه، واقع در جنوب اندلس، به دنیا آمد. خاندان وی در اصل از شارق، از توابع بلنسیه (والنسیا)، بوده‌اند و نیای وی، عبدالله، به المریه کوچ کرده بود (ابن ابار، ج ۲، ص ۵۷۳؛ دائرةالمعارف بزرگ، ذیل مدخل).

ابن حَبِيش درس‌های مقدماتی را در زادگاه خود با آموختن قرائت‌های گوناگون از ابوالقاسم احمد بن عبدالرحمن قَصَبی، ابوالقاسم بن ابی رجاء بَلَوی و ابوالاصبح، معروف به «ابن الیسع»، آغاز کرد. فقه را نزد ابوالقاسم احمد، معروف به «ابن وَرْد»، و ابوالحسن علی، معروف به «ابن نافع»، آموخت. از ابومحمد عبدالحق بن غالب محازی، ابومحمد عبدالله بن علی رُشاطی، ابوالحسن بن معدان، ابوعبدالله محمد بن وضاح و ابوعبدالله محمد، معروف به «ابن ابی احد عشر»، حدیث را فرا گرفت. علوم عربی را از ابوعبدالله محمد بن ابی زید نحوی آموخت (ابن ابار، ج ۲، ص ۵۷۳-۵۷۵؛ منذری، ج ۱، ص ۸۰).

ابن حَبِيش در نیمه ۵۳۰ق / ۱۱۳۶م به قرطبه رفت و دانسته‌های خود را از حدیث نزد کسانی چون ابوالحسن یونس بن محمد بن مغیث، ابوعبدالله محمد بن اصبح ازدی، معروف به «ابن المناصف»، ابوعبدالله جعفر بن محمد بن مکی و ابوبکر محمد بن عبدالله معافری، معروف به «ابن عربی»، تکمیل کرد. حدیث‌دانانی چون ابوالحسن شریح بن محمد، ابوالولید بن بَقَوَه هلالی، ابوبکر عبدالله معروف به «ابن مدیر»، ابوجعفر احمد بن عبدالرحمن بطروجی و ابوالفضل عیاض بن موسی بن عیاض به او اجازه روایت دادند (ابن ابار، همان‌جا).

علی اکبر ولایتی، ve dgr.; تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، (جلد

اول، بخش دوم)، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۹۲، ISAM DN. 260934

21974 DUNLOP, D. M. The Spanish
historian Ibn Ḥubaiṣ. JRAS, 1941,
pp. 359-362

Ibn Ḥubaiṣ

11 AUGUSTOS 1987

5748. Ibn Ḥubaiṣ, 'Abd-ar-Raḥmān Ibn-Muḥammad. 090447
[Gazawāt] Gazawāt Ibn Ḥubaiṣ: wa-huwa Kitāb al-Gaza-
wāt aḍ-ḍāmina al-kāmila wa'l-futūḥ al-ġāmi'a al-ḥāfila al-
kā'ina fī ayyām al-ḥulafā' al-auwal at-talāta: Abī-Bakr aṣ-
Siddīq wa-Abī-Ḥafṣ 'Umar. wa-Abī-'Amr Dīn-Nūrīn
'Uṭmān / ṣannafahū 'Abd-ar-Raḥmān Ibn-Muḥammad
Ibn-'Abdallāh Ibn-Yūsuf Ibn-Ḥubaiṣ. Taḥqīq Suhail Zak-
IBN HUBAIS
-EGUBERIE
-UMER
-OSMAN

79

kār. - Bairūt : Dār al-Fikr li't-Ṭibā'a wa'n-Naṣr wa't-Tauzī'. -
(Maṣādir tāriḥ al-islām wa'l-muslimīn ; 2)

Einheitssacht.: Kitāb al-Gazawāt aḍ-ḍāmina al-kāmila
wa'l-futūḥ al-ġāmi'a al-ḥāfila. - Inhalt: Geschichte d. ersten
islam. Eroberungen. - In arab. Schrift, arab. 32 A 14338

1. - Ṭab'a 1. - 1992 = 1412 h. - 383 S. 32 A 14338-1

2. - Ṭab'a 1. - 1992 = 1412 h. - S. 382 - 802 32 A 14338-2

05 NISAN 1995

The Spanish Historian Ibn Ḥubaish

BY D. M. DUNLOP

IBN ḤUBAISH is mentioned by Francisco Codera as a source of Ibn al-'Abbār who deserves attention. Caetani also stresses his importance as a representative of the Medinese tradition which at-Ṭabarī neglected. There is very little about him in the standard books of reference.

His full name was Abū'l-Qāsim 'Abdarrahmān b. Muḥammad b. 'Abdallah b. Yūsuf b. abī 'Isā b. Ḥubaish al-'Anṣārī. He was born in Almeria in the south of Andalus in 504/1110, apparently of humble parentage, for in later life he did not care to be reminded of his birthplace. After preliminary studies in Almeria he went to Cordoba in 530/1135. Here he worked for three years under "those who were left of its teachers"—implying the decline of ḥadīth in Spain. He attended the lectures of various distinguished people, including Ibn al-'Arabī (the qāḍī, not Ibn 'Arabī the mystic), and corresponded with Abū't-Ṭāhir as-Silafī, an admirer of Spanish literature, who taught in Alexandria. Before the end of his stay Ibn Ḥubaish had received the 'ijāzah from several scholars to lecture on his own account. Then he returned to Almeria, and was still there in 542/1147 when the town was taken by the Christians. He says himself: "I was in the castle of Almeria when the city was occupied, and presented myself to their general. . . . I said to him that I knew a tradition tracing up his genealogy to Heraclius the Emperor of Constantinople. He seemed pleased and told me to repeat it, which I did as I had learned it. Upon this he said that I and all who were with me might go free without paying a ransom."¹ By this time he was evidently a person of some importance.

¹ Gayangos, *Muhammadan Dynasties* 2. 312.

one well-known Spanish scholar, Ibn acted by this movement. Abū'l-Khattāb the most famous pupil of Ibn Ḥubaish, Abū 'Amr b. Dihyah, were also Zāhirites. the *Kitāb al-Ghazawāt* has not enjoyed Ibn al-'Abbār says that the author was and that people copied his history. own traditionist to whom adh-Dhahabī of space, regarded him as the greatest Yet his book is not mentioned by Ḥajji wo MSS. of it are certainly known. It association with the Almohades. We fectly definite statement by Ibn Dihyah epted unreliable traditions. His opinion book is worth considering, for he was reat traditionist, and might account for n the other hand some at least regarded liable, for his biography is included in *Mizān* which deals only with unsatis- und is not mentioned in the *Tadhkirat*

De Goeje suggested that exception was r Ibn Ḥubaish of the *Futūḥ ash-Shām*. is unreliable, but Ibn Ḥubaish clearly led to use it. We have no exact informa- nt recensions of the *Futūḥ*. In deciding portant consideration is the declining in Spain. The influence of an author ae East was bound to disappear. to tell. It was remarked that in public had a pleasant delivery. As-Suhailī, l: "I wish I had his voice with my aish was more modest, for when asked reply, like Tha'lab on one occasion, that rt from the *Kitāb al-Ghazawāt* he appears other work, a little book of tradition

مادرید (نک: GAL, S, I/221); وصف الفردوس، موجود در کتابخانه ازهریه (ازهریه، ۷۵۶/۳).

مأخذ: ابن حبان، حبان بن خلف، المقتبس، به کوشش محمود علی مکی، بیروت، ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۳ م؛ ابن خاقان، فتح، مطبع الانفس و سرح الناس، قسطنطنیه، ۱۳۰۲ ق / ۱۸۸۵ م؛ ابن سعید، علی بن موسی، المغرب فی حلی المغرب، به کوشش شوقی ضیف، قاهره، ۱۹۵۳ م؛ ابن فرحون، ابراهیم بن علی، الدیاج المذهب، به کوشش محمد احمدی ابوالنور، قاهره، ۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴ م؛ ابن فرضی، عبدالله بن محمد، تاریخ العلماء والرواة للعلم بالاندلس، به کوشش عزت عطار حسینی، قاهره، ۱۳۷۳ ق / ۱۹۵۴ م؛ ابن قنفذ، احمد بن حسن، الوفيات، به کوشش عادل نویض، بیروت، ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰ م؛ ابواسحاق شیرازی، ابراهیم بن علی، طبقات الفقهاء، بغداد، ۱۳۵۶ ق / ۱۹۳۷ م؛ ازهریه، فهرست؛ بالنسبیا، آنخل گونزالس، تاریخ الفكر الاندلسی، ترجمه حسین مؤنس، قاهره، ۱۹۵۵ م؛ حمیدی، محمد بن فتوح، جذوة المقتبس، به کوشش ابراهیم الیاری، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م؛ خشنی قروی، محمد بن الحارث، قضاة قرطبة، به کوشش ابراهیم الیاری، قاهره، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م؛ ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش صالح السمر و شعیب انزویوط، بیروت، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م؛ همو، العبر، به کوشش ابوهاجر محمد سعید بن بسونی زغلول، بیروت، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م؛ زبیدی، محمد بن حسن، طبقات النحویین واللغویین، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۳ ق / ۱۹۵۴ م؛ زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت، ۱۹۸۶ م؛ ضبی، احمد بن یحیی، بقیة المناسک، مادرید، ۱۸۸۸ م؛ ققام، شاکر، «طلانغ کتب الغریب فی الاندلس و کتاب الدلائل» مجله مجمع اللغة العربیة بدمشق، س ۵۰، شه ۲، ربیع الاول ۱۳۹۵ ق / آوریل ۱۹۷۵ م؛ قاضی عیاض، عیاض بن موسی، ترتیب المدارک، به کوشش احمد بیکر محمود، بیروت، ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م؛ قفطی، علی بن یوسف، انباه الرواة، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۱ ق / ۱۹۵۲ م؛ مقرئ، احمد بن محمد، نفع الطیب، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۸ م؛ محمود علی مکی، حاشیه بر المقتبس (نک: ابن حبان، در همین مأخذ)؛ نیز: GAL, S, علی رفیعی

آثار او عبارتند از: ۱. تحریر الافکار فی مسألة الاقرار که در کتابخانه ظاهریه دمشق موجود است (نک: زرکلی، ۱۶۱/۷)؛ ۲. تنویر البصائر در علم اصول که حاشیه‌ای است بر الاشباه والنظائر، تألیف ابن نجیم (حاجی خلیفه، ۹۹/۱). از این اثر نسخه‌هایی در کتابخانه‌های خدیویه (۲۹/۳، ۳۰)، تیموریه (۱۵۴/۴)، ظاهریه (نک: زرکلی، همانجا) موجود است؛ ۳. رساله فی عصمة الانبیاء که نسخه‌ای از آن در کتابخانه قلیچ علی پاشا (ترکیه) وجود دارد. (GAL, S, II/429)؛ ۴. قواطع البرهان فی توجیه مسألة قاضی‌خان که نسخه‌ای از آن در کتابخانه بریل (شماره ۱۰) نگهداری می‌شود (هوتسما، 130). گویا او تحریراتی بر کتاب دُرر و غُرر در علم فقه (محبی، ۲۲۳/۲) نیز داشته است.

مأخذ: تیموریه، فهرست؛ حاجی خلیفه، کشف الظنون، استانبول، ۱۹۴۱ م؛ خدیویه، فهرست؛ زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت، ۱۹۸۶ م؛ محبی، محمد امین، خلاصة الاثر، قاهره، ۱۲۸۴ ق / ۱۸۶۷ م؛ نیز:

GAL, S; Houtsma, M., Catalogue d'une collection de manuscrits arabes et turcs, Leiden, 1988. احمدباد کوبه هزاره

ابن حَبِيش، ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله بن یوسف بن ابی عیسی انصاری (۵۰۴ - ۵۸۴ ق / ۱۱۱۱ - ۱۱۸۸ م). مورخ، محدث، فقیه و ادیب اندلسی. حبیش نام دایی وی بوده است (ذهبی، سیر، ۱۱۹/۲۱).

وی در المریة، در جنوب اندلس زاده شد (ابن ابار، ج کودرا، ۵۷۵/۳). اصل خاندان وی از شارقه از توابع بلنسیه بوده و جدش عبدالله از آنجا به المریه نقل مکان کرده است (ابن ابار، ج کودرا، ۵۷۳/۲).

تحصیلات مقدماتی را در المریه با فراگیری قرائات از ابوالقاسم احمد بن عبدالرحمن قَصَبی، ابوالقاسم بن ابی رجاه بَلَوی و ابوالاصغ معروف به ابن الیسع و دیگران شروع نمود (همانجا؛ منذری، ۸۰/۸؛ قس: ضبی، همانجا) و نزد ابوالقاسم احمد معروف به ابن وُرد و ابوالحسن علی معروف به ابن نافع فقه آموخت و از دو نفر اخیر و ابومحمد عبدالحق بن غالب محاربی و ابومحمد عبدالله بن علی رُشاطی و ابوالحسن ابن معدان و ابوعبدالله محمد بن وضاح و ابوعبدالله محمد معروف به ابن ابی احد عشر و جز آنان حدیث شنید (ابن ابار، ج کودرا، همانجا؛ منذری، همانجا). علوم عربیت را از ابوعبدالله محمد بن ابی زید نحوی فرا گرفت (همانجاها). سپس در نیمه سال ۵۳۰ ق / ۱۱۳۶ م بار سفر قرطبه بست و در آنجا از ابوالحسن یونس بن محمد بن مغیث و ابوعبدالله محمد بن اصغ ازدی معروف به ابن المناصف و ابوعبدالله جعفر بن محمد بن مکی و ابوبکر محمد بن عبدالله معافری معروف به ابن عربی و جز آنان حدیث آموخت و ابوالحسن شریح بن محمد و ابوالولید بن بَقُوَة هلالی و ابوبکر عبدالله

ابن حَبِيب، شرف‌الدین بن عبدالقادر بن برکات بن ابراهیم (د پس از ۱۰۰۵ ق / ۱۵۹۷ م)، فقیه حنفی، مفسر، نحوی از مردم غرّه (در جنوب فلسطین).

از زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست. تنها مطلبی که درباره او نقل کرده‌اند تبادل نامه‌های علمی با شیخ حسن بورینی (د ۱۰۲۴ ق / ۱۶۱۵ م) است که در نامه‌ای از ابن حبيب راجع به نکته‌ای در تفسیر ابوالسعود بن محمد عمادی مفتی قسطنطنیه برآیه ۱۶ سوره فرقان سؤال کرد و ابن حبيب در پاسخ آن رساله‌ای به نام ارواه الصادی فی الجواب عن ابی السعود العمادی نوشت. بورینی در آن تأمل کرد. پاره‌ای از جواب راستود و برخی دیگر را رد نمود و نظرات خود را در یک رساله برای ابن حبيب ارسال داشت. آنگاه شرف‌الدین رساله دیگری موسوم به الارج العبهری و الجادی فی الدفع عن ارواه الصادی در جواب ایراد بورینی و شرح بیشتر گفتار ابوالسعود نوشت و این سه رساله را به ترتیب زمان نگارش در یک کتاب گرد آورد و نامش را محاسن الفضائل بجمع الرسائل نهاد (محبی، ۲۲۳/۲، ۲۲۴). تاریخ درگذشت ابن حبيب معلوم نیست، لیکن از تاریخ اتمام تعلیماتش بر کتاب الاشباه والنظائر چنین برمی‌آید که تا سال ۱۰۰۵ ق زنده بوده است.

Ibn Hubayra & Ibn Hubaysh
13 EYLÖL 1993

district of Dujayl, northwest of Baghdād, where he spent the early part of his youth. He went to Baghdād as a young man, and studied Ḥanbali *fiḥh* under Abū Bakr al-Dinawari (d. 532/1138) and *adab* under the renowned Ḥanbali philologist al-Djawālīkī (d. 540/1145). He also studied traditions under several masters and was for some time the disciple of the ascetic preacher Abū Yahyā Muḥammad b. Yahyā al-Zabīdī, with whom he roamed the streets of Baghdād proclaiming the incomparable attributes of God.

Under the caliphate of al-Muḥtafi, Ibn Hubayra entered government service and gradually worked his way up to be this caliph's *wazīr*. With Ibn Hubayra the influence of the last Saldjūkids came to an end. He also had a hand in Nūr al-Dīn's conquest of Fāṭimid Egypt. The Ḥanbali school flourished under his ministry and patronage, and its institutions of learning continued to multiply, a trend which had been taking place before his advent and which explains in part his accession to power. He had many enemies, who apparently succeeded in poisoning him through his own physician, who is said to have been killed six months later, also by poisoning. Ibn Hubayra died on 12 Djumādā I 560/ March 1165.

During his lifetime, Ibn Hubayra was no less active in the field of learning than he was in politics. He composed a commentary in several volumes of the two canonical collections of traditions, those of al-Bukhārī and Muslim, entitled *al-Iṣṣāḥ 'an ma'ānī 'l-Ṣiḥāḥ*. While commenting on one of the traditions which involved an explanation of the term *fiḥh*, he digressed into a long treatise on questions of law, both those concerning which the founders of the four schools of law were in agreement, as well as those upon which they disagreed. The idea so interested him that he caused specialized scholars of all four schools of law to be brought to Baghdād from outlying provinces at a reputed expense of over one hundred thousand *dīnārs*. This he allegedly did in order to be certain of the accuracy of his work; but this gathering of scholars from many parts of the Muslim world at the expense of the *wazīr* must have also had its political importance. Several copies were made of this work, which found its way into the libraries of governors and *wazīrs* of provinces, as well as those of the Caliph al-Mustandjīd and the Ayyūbid Sultan Nūr al-Dīn Zangī. This work, properly called *al-Iṣṣāḥ*, but also *al-Iṣṣāḥ*, after the original and more voluminous work, was edited by Rāghib al-Ṭabbākh (Aleppo 1929).

Ibn Hubayra has other works to his name: *al-Muḥtaṣaḥ*, a grammar for which Ibn al-Khaṣṣhāb (d. 567/1172) wrote a commentary in four volumes; an abridgment of the *Iṣṣāḥ al-manṭiq* of Ibn al-Sikkīt; *al-'Ibādāt al-khams*, according to the Ḥanbali school of law; *Urdjūza fi 'l-maḥṣūr wa 'l-mamdūd*; *Urdjūza fi 'ilm al-khaff*.

His contemporary Ibn al-Djawzī (d. 597/1200) compiled a work based exclusively, it would appear, on statements which he had heard from Ibn Hubayra, entitling it: *al-Muḥtaṣab min al-fawā'id al-'Awwmiyya* (i.e., 'Awn al-Dīn Ibn Hubayra). In another work, *Mahd al-mahd*, Ibn al-Djawzī compiled an anthology of highlights from Ibn Hubayra's original *Iṣṣāḥ*, i.e., the commentary on the traditions of al-Bukhārī and Muslim.

Most of what we know of Ibn Hubayra comes to us from his contemporary Ibn al-Djawzī, but more extensively from his biographer, the Ḥanbali Ibn al-Māristāniyya (d. 599/1202), from whose work,

not extant, much of the *Dhayl* of Ibn Radjab is derived.

Bibliography: Ibn al-Djawzī, *al-Muntazam fi ta'rikh al-mulūk wa 'l-umam*, Haydarābād 1358/1939, x, 214-7; Ibn Radjab, *Dhayl 'alā Ṭabaḥāt al-Ḥanābila*, ed. M. Ḥāmid al-Fikī, Cairo 1952-3, i, 251-89; Brockelmann, I, 298, S I, 688-9, and bibl.; H. Laoust, *Le Ḥanbalisme sous le califat de Bagdad*, in *REI*, xxvii (1959), 109-10, and note 257 for bibl.; Ḥādīdī Khalifa, *Kashf al-zunūn*, s.vv. *Iṣṣāḥ*, *Iṣṣāḥ*, *Urdjūza*. (G. MAKDISI)

IBN HUBAYSH, ABU 'L-KĀSIM 'ABD AL-RAḤMĀN B. MUḤAMMAD B. 'ABD ALLĀH B. YŪSUF B. ABĪ 'ISĀ AL-ANṢĀRĪ AL-MURSĪ, Spanish traditionist. Ibn Ḥubaysh was born in 504/1110 in Almeria of a family originally from Shāriḳa (Jérica), Valencia. After preliminary studies in Almeria he passed to Cordova in 530/1135 for three years, and having returned to Almeria, was present when in 542/1147 that city fell to the Christians under al-Sulayṭīn, 'the little Sultan', i.e., Alphonso VII of León. After an interview with the latter, during which he traced the genealogy of Alphonso back to the Emperor Heraclius, Ibn Ḥubaysh and his family were allowed to go free. He subsequently held posts in Djazirat Shakr (Alcira), Valencia, for approximately 12 years. In or about 556/1161 he went to Murcia as preacher (*khātib*) in the principal mosque. Twenty years later he became *Kāḍī* of Murcia, and held the office till his death in 584/1188. One of his accomplishments, as recorded by a pupil (Ibn al-Abbār, *Takmila*, ii, 574), was to have had by heart all or most of *al-Ta'rikh al-kabīr*, an extensive work on Ḥadīth by Ibn Abī Khaythama (d. 279/893, cf. Brockelmann, I, 272).

Ibn Ḥubaysh appears to have planned a continuation of the *Kitāb al-Ṣīla* of Ibn Bashkuwāl [q.v.], which was never carried out. However, his notes and materials came into the hands of Ibn al-Abbār [q.v.], who made use of them in his own *Takmila* ('Completion') of the *Kitāb al-Ṣīla*. The literary work of Ibn Ḥubaysh by which he is principally remembered was the *Kitāb al-Ghazawāt*, or *Kitāb al-Maghāzī* ('Book of the Raids'), in full *Kitāb (Dhīkr) al-Ghazawāt al-dāmina al-kāfīla wa 'l-futūḥ al-djāmi'a al-hāfīla al-kā'ina fi ayyām al-khulafā' al-ūlā al-thalātha*. As the name indicates, this gave an account of the victorious expeditions in the first half of the 7th century A.D., for the most part, under the Caliphs Abū Bakr, 'Umar and 'Uthmān. Ibn Ḥubaysh received a commission for the book from the Almohad Abū Ya'qūb Yūsuf [q.v.] in 575/1179-80 on the same day as he was appointed *Kāḍī* (see above), i.e., when he was nearly 70.

The work survives in several manuscripts, and has been utilized by De Goeje (*Mémoire sur le Fotouh as-Shām*, Leiden 1864; *Mémoire sur la conquête de la Syrie*, Leiden 1900) and by Caetani (*Annali dell' Islam*, Milan 1905), the latter in extracts made by J. Horowitz. More recently W. Hoenerbach has underlined the use made by Ibn Ḥubaysh of the *Kitāb al-Ridda* of Wākīdī, a good early source (*Waṭīma's Kitāb ar-Ridda aus Ibn Ḥaḡar's Iṣṣāba*, *Akad. d. Wissens. u. d. Lit. in Mainz, Abh. d. Geistes- u. Sozialwissenschaften*, Kl., 1951, Nr. 4, 220 ff.). In general, though Ibn Ḥubaysh was acquainted with Tabarī's Annals (*Ta'rikh al-rusul wa 'l-mulūk*), he disposed of further materials, and for the early period of the Islamic conquests is doubtless an authority who deserves to be consulted.

Ibn Ḥubaysh, called by Ibn al-Abbār the last of the great traditionists of Western Islam (*wa-kāna ākhira a'immati 'l-muḥaddithīn bi 'l-Maghrib*), yet

tribes refused to pay the *zakāt*, adducing various pretexts. The Companions argued with Abū Bakr. Here al-Kalā'ī integrates the words spoken by the strongest opposition, as available to him in B2b. The reference to the source of this passage, i.e. al-Wāqidī, is omitted. The result is that a unit from al-Wāqidī appears as part of al-Zuhrī's narrative.¹⁰⁴ To this al-Kalā'ī appends 'Umar's words, as given in B2a, this time together with the reference to al-Wāqidī. He then resumes al-Zuhrī's narrative, A2, without indicating that he is doing so. The result is that A2 appears to be a continuation of al-Wāqidī's account. To Abū Bakr's speech, which apparently was originally taken from al-Zuhrī (A2), al-Kalā'ī adds the isolated sentence supplied by al-Wāqidī (B1), again without any indication of what he is doing. Al-Kalā'ī thus selected pieces from Ibn Ḥubaysh's text and recast them into one story, blending material from two different sources. Any reconstruction of either al-Wāqidī or al-Zuhrī based on the *Iktifā'* will therefore be misleading.¹⁰⁵

2. Under the title of *fī ḥadīth ghayrihi*, "in the account of someone else", al-Kalā'ī opens a narrative with a sentence, taken out of its context, from a tradition originally transmitted by Ishāq b. Yaḥyā. He continues the story uninterruptedly with a narrative from al-Wāqidī's book, omitting mention of the source.¹⁰⁶

3. Ibn Ḥubaysh records two distinct traditions about two different arguments between the people of the tribe of Ṭayy and their leader, 'Adī ibn Ḥātim. One of these traditions is recorded on the authority of Ibn Ishāq, the other on the authority of al-Sha'bī (d. 105/723). Al-Kalā'ī copies the reference to Ibn Ishāq and (with slight abridgements) the first account; to this he appends an abridgement of al-Sha'bī's story, without mentioning the source, representing it as a fragmentary variant of the preceding tradition. He thus makes two different events appear as one.¹⁰⁷

The examination of al-Kalā'ī's text leads to several conclusions:

1. As in al-Diyārbakrī's case, the references to sources in the text cannot be taken as indicating the author's immediate authorities, even

¹⁰⁴ Ibn Ḥubaysh, 10:8-13 (=ed. I, 25; al-Kalā'ī, 3:6-4:3.

¹⁰⁵ See appendix C.

¹⁰⁶ Al-Kalā'ī, 143:8-145:3; Ibn Ḥubaysh, 73:8-9, 73:29-74:33 (=ed. I, 186, 187-9).

¹⁰⁷ Ibn Ḥubaysh, 14:19-15:12 (=ed. I, 36-8); al-Kalā'ī, 16:4-17:17. See Landau-Tasserón, "Ṭayy", 54-5.

when he uses the formula *wa-fī kitāb*, "and in the book of...".¹⁰⁸ Contrary to the claims of Fāriq and Ghunaym, al-Kalā'ī never had at his disposal the *Kitāb al-ridda* of al-Wāqidī and the books of al-Umawī and al-Zuhrī, but rather copied the references to them from Ibn Ḥubaysh. As for the books of Wathīma and Sayf, it seems likely that al-Kalā'ī did not directly use them, because he did not include them in his bibliography. However, he does not seem to have cited them from Ibn Ḥubaysh's *Ghazawāt* either.

2. Contrary to the assumption advanced by the editors of the *Iktifā'*, as well as by Muranyi, this book is not to be trusted for the reconstruction of al-Wāqidī's *Kitāb al-ridda* or any other lost source. Admittedly, the *Iktifā'* contains even much more material from al-Wāqidī and al-Zuhrī than is apparent to the reader. The difficulty is that this material cannot be identified, first, because the references to the sources are in most cases omitted, and second, because the material has been reworked and hence hardly represents the original form of the text. All this comes to light through the collation of the *Iktifā'* with the *Kitāb al-ghazawāt* of Ibn Ḥubaysh.

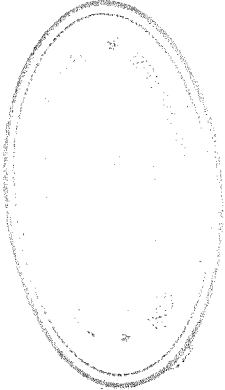
Ibn Ḥubaysh

The scholar 'Abd al-Raḥmān b. Muḥammad b. 'Abd Allāh b. Yūsuf ibn Ḥubaysh was an Andalusian of the sixth/twelfth century who gained his reputation mainly in the field of *ḥadīth*.¹⁰⁹ He acted as orator (*khaṭīb*) and judge to the Muwaḥḥid sultans 'Abd al-Mu'min (524-58/1130-63) and Abū Ya'qūb Yūsuf (558-80/1163-84, and was commissioned by the latter to compose the *Kitāb al-ghazawāt wa-l-futūḥ*, a compilation of material on the Muslim conquests during the reign of the first three caliphs.¹¹⁰ The book has a direct connection with the ideology and political program of the Muwaḥḥids. Abū Ya'qūb in particular was constantly at war with the Christians in al-Andalus, and it was in order to heighten the morale of his armies

¹⁰⁸ E.g. al-Kalā'ī, 4:3.

¹⁰⁹ See Ibn Ḥubaysh, ed. Ghunaym, Introduction, 12-21; Dunlop, "The Spanish historian".

¹¹⁰ Dunlop, 360; Ibn Ḥubaysh, 5. See also Huici Miranda, "Abū Yūsuf Ya'qūb".



12 X ANLIK 2006

MAJLIS KUTUB MUKTAM
SONR QUR'AN ULMAN

١٠٩٧- الجزء الثاني من «حديث ابن حبيش وابن

[أبي]»^(٢) صابر:

أخبرنا به أبو العباس أحمد بن علي بن محمد بن أيوب
ابن رافع إجازة مكاتبة، أنبأنا محمد بن أبي بكر بن
طرخان، ومحمد بن أحمد بن الناصح، وزينب بنت
الكمال، وحبيبة بنت الزين، وفاطمة بنت عبدالله بن أبي
عمر، قال الأولان: أنبأنا إسماعيل بن إبراهيم بن أبي اليسر،
زاد الثاني: وأنبأنا الفخر علي ابن البخاري، وقالت زينب
وحبيبة: أنبأنا أبو بكر بن محمد الهروي، وعلي بن أحمد
ابن فضل، وعزبة بنت محمد بن مفلح، وقالت فاطمة:
أنبأنا زينب بنت مكى، قالوا: أنبأنا عمر بن محمد بن
معمر بن طبرزد، أنبأنا أبو غالب أحمد بن الحسن بن البناء،
أنبأنا أبو محمد الحسن بن علي الجوهري، أنبأنا عبدالعزيز بن
الحسن بن [أبي] صابر، والحسين بن عمرو بن حبيش، به.

(٢) زيادة من كتب الرجال.

28. MART 2000

شهابالدين ابوالفضل احمد بن محمد بن علي بن حجر العسقلاني. المعجم الفهرس نور الحديث.
اسانيد الكتب المشهورة والاجزاء المنثورة، تحقيق، محمد شكور محمود الحاجي امريير المياديبي.
بيروت ١٤١٨هـ / ١٩٩٨م، ص. 263
ISAM Ktp. 61756:

- ابن حبيش

ابن حبيش^(١)

عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله^(٢) بن يوسف، الأنصاري، الأندلسي،

المري، أبو القاسم

٥٠٤ - ٥٨٤ هـ

١١١١ - ١١٨٨ م

(١) نسبة إلى «خال» المترجم له .

(٢) في تذكرة الحفاظ: «عبيدالله» بالتصغير .

- ١ - تذكرة الحفاظ: ترجمة رقم ١١٠١ في ٤: ١٣٥٣ .
- ٢ - سير أعلام النبلاء: ترجمة رقم ٨ في ٢١: ١١٨ .
- ٣ - العبر في خبر من غير ٤: ٢٥٢ .
- ٤ - التكملة لوفيات النقلة: ترجمة رقم ٣٥ في ١: ٧٩ .
- ٥ - بغية الوعاة: ترجمة رقم ١٥٠٣ في ٢: ٨٥ .
- ٦ - غاية النهاية في طبقات القراء: ترجمة رقم ٥٩ في ١: ٣٧٨ .
- ٧ - شذرات الذهب ٤: ٢٨٠ .
- ٨ - النجوم الزاهرة في ٦: ١٠٨ .
- ٩ - معجم المؤلفين ٥: ١٨٢ .
- ١٠ - الأعلام ط ٣ في ٤: ١٠٤ ، ط ٥ في ٣: ٣٢٧ .

ibn Hubaysh

331. IBN HUBAYSH (a. l-Q. 'Ar. b. M. b. 'Al. al-Anṣārī al-Andalusī al-Mariyyī al-Mursī, al-Khatīb), *K. al-ghaṣawāt*, I-IV, éd. A. 'Ghunaym, Le Caire, coll. «Min turāthinā l-ghā'ib», 1983-87, 32 + 240, 5 + 120, 2 + 276, 2 + 138 p.; 17 x 24 cm.

Isam Ktp.

21371i Süheyl
Zekkar tahkiki

Pour l'A., né en 504/1110 à Almería, prédicateur dans la mosquée de Murcie à partir de 556/1161 environ, puis cadī de cette ville jusqu'à sa mort en 584/1188, v. D. M. Dunlop, *EI*, III, 826-27; *San*, XXI, 118-21. Pour l'ouvrage, *Gal*, I, 344 et *S I*, 587; son titre complet est: *K. al-Ghaṣawāt al-dāmina al-kāfila wa l-futūh al-ḡāmi'a al-hāfila*, ou encore *K. al-Maghbāzī*. C'est un ouvrage qui lui avait été commandé par l'Almohade Abū Yūsuf Ya'qūb al-Nāsir li-Dīn Allāh (et non pas Yūsuf, comme en Br.) en 575/1179, et qu'il acheva en 583/1187.

kāfila
Ehā 7684

On sait qu'il fut l'un des maîtres les plus importants d'al-Kalā'ī (a. l-Rabī Sul. b. Mūsā b. Sālim, m. 643/1236) qui lui doit beaucoup dans son *K. al-Iktifā' bi-sīrat al-muṣtafā wa l-thalātha al-khulafā'*, éd. partielle de H. Massé, Alger, 1933, 404 p.; *al-Iktifā' fī maghbāzī rasūl Allāh wa l-thalātha al-khulafā'*, éd. Muṣtafā 'Abd al-Wāhid, Le Caire, al-Khānjī, 1956; 1968-70²; éd. Khūrshīd A. Fārūq, en Inde (où?), 1970. V. Maher Jarrar, *Die Prophetenbiographie im islamischen Spanien. Ein Beitrag zur Überlieferungs- und Redaktionsgeschichte*, Francfort, Berne, N. Y., Paris, Peter Lang («Europäische Hochschulschriften», S. III, vol. 404), 1989, p. 224-36; v. notre c. r. in *Arabica*, XXXIX, 1991/3.

Le texte a été établi à partir des deux mss. signalés par Br. (ils avaient été consultés et utilisés par plusieurs orientalistes, dont J. Horowitz, Caetani, de Goeje, Dunlop, W. Hoenerbach, etc. (v. *EI* et Br.): ms. Berl. 9689 (bonne description par Ahlwardt), 235 ff., copié en 583, donc du vivant de l'A.; ms. Leyde, 885, 243 ff., copié au Caire en 851 puis revu sur «l'original» par a. l-H. al-Biqā'ī en 852/1148; la dernière page du ms. porte le nom de Ibrāhīm al-Biqā'ī. Il s'agit probablement de Ibr. b. 'U. al-Kharbāwī al-Biqā'ī al-Shāfi'ī (m. 885/1480, Kahh, I, 71a) qui s'établit au Caire. De plus, le copiste de ce ms. atteste le certificat d'autorité de Ibn Dihya (Majd al-Dīn a. l-Khaṭṭāb 'U. b. al-H. b. 'A. al-Kalbī al-Dānī al-Sabī, m. 633/1235, v. *San*, XXII, 389-95), l'un des disciples de Ibn Hubaysh. Un certain nombre d'éléments du ms. de Leyde, le plus récent, font dire à l'édit. qu'il a probablement été copié sur celui de Berlin. Ibn Dihya porte un jugement sur son maître Ibn Hubaysh dans le ms. de Leyde, déclarant: «dans ce livre, il transmet d'un certain nombre de transmetteurs qui ont pratiqué la forgerie et qui sont rejetés».

Les index des noms propres confectionnés par l'édit. témoignent du grand nombre de chaînes de garants que contient l'ouvrage. On regrettera que l'impression du texte soit si médiocre.

s. 480-481

Claude GILLIOT, "Textes Arabes Anciens Édités en Égypte au Cours Années 1987 à 1990" MIDEO (Melanges Institut Dominicain d'Etudes Orientales du Caire), Vol.20, 1991 Louvain. pp.301-504.

17 AGUSTOS 1985

nos ocupa. No obstante, tampoco habría que descartar que pueda referirse a Ismā'il [b. Muḥammad] b. 'Abbād, hermano de al-Mu'tadid, muerto en combate contra Bādīs b. Ḥabbūs de Granada en *muḥarram* de 431 (=23 septiembre-22 octubre 1039), cuando contaba con unos 30 años (Ibn 'Idārī, *Bayān*, III, 199, 202, 203 y 316).

Según al-Ḥiṣārī, recogido por Ibn Sa'īd, creció con al-Mu'tadid y llegó a ser visir suyo, pero cometió una imprudencia, que no detalla, que lo llevó a ser asesinado. Tanto Ibn Bassām como Ibn Sa'īd aluden a la gran pugna y enemistad que mantenían Abū l-Walīd Ibn Zaydūn, el célebre poeta cordobés que se refugió en Sevilla y que pasó a ser también poeta y visir de al-Mu'tadid, y Abū l-Ḥasan Ibn Ḥiṣn, y los esfuerzos que hizo el primero por eliminar al segundo, lo que finalmente consiguió al asesinar al-Mu'tadid a Ibn Ḥiṣn.

Se desconoce la fecha en que el sanguinario rey sevillano le quitó la vida, si bien hubo de ser antes del 2 de *ḡumādū* I de 461 (=noche del 27 al 28 febrero 1069), día en el que murió al-Mu'tadid a causa de una difteria. Pudo ser en el año 449 ó 450 (=1057-8), al ser también asesinado Ismā'il, hijo mayor de al-Mu'tadid, como dijimos.

Resulta curioso que no lo mencione Abū l-Walīd al-Ḥimyarī en el manuscrito conservado de su obra, aunque, según al-Ḍabbī, sí lo citaba. También de este autor se decía que había sido asesinado por al-Mu'tadid, quizá también en la misma fecha, cuando contaba tan sólo 22 ó 29 años.

OBRAS:

>1. Poesía.

Según al-Ḥumaydī, lo mencionó Abū 'Āmir Ibn Maslama, autor del *Kitāb al-Irtiyāḥ bi-wasfal-rāḥ* (Libro de la complacencia en la descripción del vino), y, según al-Ḍabbī, lo mencionó Abū l-Walīd Ibn 'Āmir, que es Abū l-Walīd al-Ḥimyarī (m. aprox. 440=1048-9), el autor de *al-Bad' fī wasfal-rab'* (Lo maravilloso, acerca de la descripción de la primavera), quien recitó abundante poesía suya. Ambos, al-Ḥumaydī y al-Ḍabbī, recogen dos versos sobre el nenúfar (*al-naylūfar*), aunque distintos y de poemas también diferentes.

En Ibn Sa'īd e Ibn al-Ja'īb aparece un poema suyo con una escena bucólica sobre un palomo o pichón (*ibn warqā'*) posado en una rama sobre el río Guadalquivir, que es considerado por el autor de Alcalá la Real como de lo mejor.

También Ibn Sa'īd recoge muestras del género báquico y de poesía obscena (*muḡūnīyāt*), que cultivó Abū l-Ḥasan Ibn Ḥiṣn.

Ibn Bassām es quien más fragmentos poéticos recoge, clasificándolos en descripciones variadas y panegíricos. El más extenso de los fragmentos es uno de 26 versos de temática obscena (*muḡūn*), el mismo del que Ibn Sa'īd transcribió 5 versos y que debió alcanzar gran fama, pues fue incluido en la obra *Tuḡfat al-'arīs* (Regalo valioso de la desposada) del tunecino Muḥammad b. Aḥmad al-Tiḡānī. Ha sido traducido por T. Garulo (*Literatura*, 206-8) y de su versión extraemos los 5 versos que destaca Ibn Sa'īd:

Me levanté embriagado,
ella tambaleándose y cimbreadose;
se despojó de la túnica
y, al acostarse junto a mí,
se puso vientre contra vientre.
"Mejor, le dije, espalda contra vientre".
Se volvió sonrojada
y dijo al inclinarse:
"Soy una tienda de dos caras; dame,
si quieres, por detrás y por delante".

Ningún destinatario, salvo el ya comentado anteriormente, señala Ibn Bassām para los panegíricos, en los que también se incluían descripciones varias. Es de suponer que el poeta dedicaría gran número de panegíricos a al-Mu'tadid.

H. Pérès traduce unos famosos versos dedicados a Sevilla en los que Ibn Ḥiṣn compara la ciudad a una novia, cuyo collar sería el río, la diadema la montaña y el jacinto que la corona el sol. También T. Garulo ha traducido otros poemas suyos, aparte del ya reseñado.

FUENTES: AL-ḌABBĪ, *Buḡya*, ed. al-Abyārī, 554 (nº 1236); AL-ḤUMAYDĪ, *Yadwa*, ed. al-Abyārī, 626 (nº 933); IBN BASSĀM, *Dajira*, II/1, 158-86; IBN AL-JA'ĪB, *Sihr*, nº 505 y p. 192/ed. Šabāna y al-Ÿamal, 172; IBN SA'ĪD, *Muḡrib*, I, 250-2 (nº 173); IBN SA'ĪD, *Murqisāt*, 80; ed. Mahdad, 26-27; IBN SA'ĪD, *Rāyāt*, 11/132 nº 4; IBN ZĀFIR, *Bad'ī*, 367; AL-MAQQARĪ, *Naḡh*, III, 266, 429.
BIBLIOGRAFÍA: GARULO, *Literatura*, 195-6, 198-9, 206-8; PÉRÈS, *Esplendor*, 125, 140, 249 (nota 49); SOBH, *Historia*, 961.

[J. LIROLA DELGADO]

IBN HUBAYŠ, ABŪ BAKR: v. IBN ḤABĪŠ, ABŪ BAKR

[619] IBN HUBAYŠ, ABŪ L-QĀSIM: ABŪ L-QĀSIM 'ABD AL-RAḤMĀN B. MUḤAMMAD B. 'ABD ALLĀH B. YŪSUF B. ABĪ 'ĪSA AL-ANŠĀRĪ AL-MARĪYĪ AL-MURSI, conocido por IBN HUBAYŠ, "hijo de Hübays", quien en realidad era su tío materno, (Almería, mediados *rajab* 504=finales